



## جعفر شوشتری

شیخ جعفر شوشتری در سال ۱۲۳۰ ه.ق در شهر **شوستر** متولد شد. این تاریخ، از نوشته **میرزا محمد همدانی** بر می آید که قدیمی ترین شرح حال او را به نام **(غنیمة السفر)** نوشته است وی در این کتاب، که در ۱۳۰۳ ه.ق نوشته عمر آن مرحوم را هفتاد و سه سال بیان می کند.

### فهرست مندرجات

- ۱ - تحصیلات
- ۲ - اساتید
- ۳ - شاگردان
- ۴ - تألیفات
- ۵ - خصوصیات اخلاقی
- ۶ - مقام علمی
- ۷ - مسافرت
- ۸ - رحلت
- ۹ - منبع

### تحصیلات

شیخ، در اوان عمر برای تحصیل علم، همراه پدرش به **نجف اشرف** رفت. این سفر، در زمانی بود که **شیخ مرتضی انصاری** در رأس **حوزه علمیه نجف** اشرف بود. در سال ۱۲۵۵ ه.ق به **شوستر** بازگشت، **رساله عملیه منهج الرشاد** را نوشت، و حسینیه ای در **شوستر** بنا کرد.

### اساتید

اساتید شیخ که در کتب رجال و تاریخ به آنها اشاره شده عبارت است.

۱. **شیخ اسماعیل کاظمی**، فرزند **صاحب مقابیس**.
۲. شیخ محمد حسن **صاحب جواهر**.
۳. **شیخ مرتضی انصاری**.
۴. **شیخ علی بن جعفر کاشف الغطا**.
۵. **شیخ حسن بن جعفر کاشف الغطا**، **صاحب انوار الفقاهه**.
۶. **شیخ راضی نجفی**.
۷. شیخ محمد حسین **صاحب فصول**.

### شاگردان

**فقهای** بسیاری از محضر با برکت شیخ کسب فیض نموده اند که برای تبرک و تبیین اسم چند نفر از آنان را ذکر می کنیم.

۱. **میرزا محمد همدانی**.
۲. **مرحوم سید عبدالصمد جزایری**.
۳. آقا میرزا ابراهیم.
۴. **آخوند ملا احمد نراقی**.
۵. **مرحوم شیخ علی بن رضا کاشف الغطا**.

### تألیفات

آثاری از شیخ بر جای مانده که هر کدام، دلیلی بر علو مقام علمی و عملی آن عالم ربانی است. از آن جمله:

۱. منهج الرشاد.
۲. الخصایص الحسینیة: این کتاب، در پی رویای صادق شیخ بوده است.
۳. دمع العین.
۴. لوائح اللوحین.
۵. فیوضات مسعودیه.
۶. الدر النضید فی خصایص الحسین الشہید.
۷. اصول دین.
۸. مجالس المواعظ.
۹. فواید الشماهد و نتایج المقاصد.

## خصوصیت اخلاقی

**محدث نوری** در (دار السلام)، به نقل از خود آن مرحوم آورده که: بعد از فراغ از تحصیل و حصول **درجه اجتهاد** از **نجف اشرف**، به وطن خویش مراجعت و مشغول به تبلیغ احکام بولم. و چون در وعظ و منبر مهارتی نداشتیم، **ماه مبارک رمضان** از **تفسیر صافی**، و ایام **عاشورا** از روی کتاب **روضه الشهداء ملا حسین کاشفی** قرائت می کردم. سال اول به این منوال گذشت و محرم رسید. شبی فکر نمودم تا کی از روی کتاب بخوانم. در این خیال رفتم که دیگر از کتاب در منبر مستغنی شوم. ملول شده به خواب رفتم. در خواب دیدم گویا (کریبا) هستم و همان موقعی است که حضرت **اباعبدالله** (علیه السلام) در آن سرزمین نزول اجلال فرموده. (من در خیمه آن حضرت رفتم، سلام کردم. حضرت مرا در نزد خویش نشانند، و به **حبیب بن مظاهر اسدی** فرمود که: فلانی میهمان ماست اما از آب چیزی نزد ما نیست، ولی آرد و روغن داریم، بر خیز و طعمی برای او تهیه کن. در آن دم، حبیب بر خاسته طعمی درست نموده، آورده جلو من گذاشت. من چند لقمه کوچکی از آن طعام تناول کردم و از خواب بیدار شدم. اینک از برکت آن طعام به اخبار مصایب و لطایف و کنایات آثار **ائمہ صلوات الله علیهم اجمعین** مطلع گشته ام.

شیخ، در زهد و تقوای خود، راه سلوک شرعی یعنی تبعیت محض از **آیات قرآن** و کلمات خاندان وحی را پیش چشم داشت. لذا با **صوفیان** بشدت در تعارض و تضاد بود، چرا که آنان با راههای خود ساخته بدعت آلود، مردم را از راه حق منحرف می کنند.

اما بیان رسا و بلیغ شیخ در مواظب و بیانات منبری که از تقوا و زهد و الای او نشئت می گرفت، آنچنان به او شهرت و اعظ بخشیده که **فقاہت** او را تحت الشعاع قرار داده است. در واقع، اگر بدانیم که **بیمایر** هدف از بعثت را تنمیم مکارم اخلاق مردم می داند، آنگاه به ارزش و عظمت و خطابه آگاه می شویم، بویژه آنگاه که سخن از دل برآید و لاجرم بر دل نشیند. و بیان شیخ، اینگونه بود.

## مقام علمی

مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری (قدس سره) فقیهی نامدار بود که دقت نظر را به سلاست بیان و شهرت و نفوذ فراوان جمع کرده بود و در این مقام، رساله (منهج الرشاد) او کافی است.

## مسافرت

سفر تاریخی شیخ به **ایران**، در سال ۱۳۰۲ ه.ق بود، در کتاب (**غنیمة السفر**) شرح مفصل وقایع این سفر تاریخی آمده است، و در اینجا خلاصه ای از آن را نقل می کنیم: پس از ورود شیخ به شهر ری، جماعتی از علمای بزرگ **تهران** و امنای شاه و سایر طبقات به دیدار او شتافته، درخواست کردند که ایشان به **تهران** بیاید، شیخ پذیرفت و در **تهران** بر مرحوم **حاج ملا علی کنی** وارد شد، و در **مسجد مروی** به اقامه جماعت و وعظ و ارشاد پرداخت.

شیخ، در اول ماه **شوال** همان سال به سوی **خراسان** رفت. در **خراسان** بیمار شد، با این حال، در **مشهد**، به **نماز جماعت** حاضر می شد و مردم را موعظه می کرد. اقامت شیخ در **خراسان** یک ماه نگذشت و دوباره به **تهران** بازگشت. ورود او به **تهران**، اول **محرم الحرام** بود. دهه اول و قسمتی از دهه دوم را در **تهران** منبر رفت. در این ایام، صدر اعظم و بسیاری از مردم به دیدار شیخ رفتند. شاه نیز به دیدن او رفت و احوال او و سفر **خراسان** او را پرسید.

شیخ در جواب فرمود: (دوست داشتم زیارت من، مثل زیارت **اعراب بادیه نشین** باشد که جان خود را در کف دست گرفته، از راههای دور، با تحمل زحمت و مشقت به حریمهای **ائمہ اطهار** (علیهم السلام) مشرف می شوند، در حالی که پیاده و پابرهنه هستند، توشه راه آنها سوبق (غذای ساده جو) و رفیق آنها توفیق است. اما بیماری مرا از این توفیق محروم ساخت و من مجبور شدم بر روی تخت بیماری به زیارت بروم.) شاه پیشنهاد کرد که شیخ در **تهران** بماند. شیخ در جواب فرمود: (دوست دارم این مشقت استخوان در جوار **حضرت ابوتراب صلوات الله علیه** به تیره تراب سپرده شود.) شاه که بیماری شیخ را دریافت، پزشکان را نزد او فرستاد تا حال او قدری بهبود یابد. امرای کشور، هدایای زیادی برای شیخ فرستادند که هیچکدام را نپذیرفت، شیخ، **تهران** را به قصد **نجف** ترک گفت.

## رحلت

مرحوم **سید محمد حسین جزایری** در محفلت تنکرة شوشتری می نویسد: وفات شیخ جعفر شوشتری در کردند، عصر ۲۸ صفر سنه ۱۳۰۳ ه.ق اتفاق افتاده است.

## منبع

سایت اندیشه قم

رده‌های این صفحه: **تراجم** | **علمای شیعه** | **علمای قرن سیزدهم** | **فقیهای شیعه**

